

کاخ یا کاش

مهندس احمد رضا عزیزی



احمد رضا عزیزی



+۹۸۹۱۵۶۴۳۲۳۸

Dorjesokh@gmail.com

کاخ باغش

مجموعه خاطرات

چاپ اول: ۱۳۹۷، شمارگان: ۱۰۰۰
ویرایش: فاطمه عزیزی
طراحی جلد، تنظیم و صفحه بندی: انتشارات درج

سرشناسه: عزیزی، احمد رضا، ۱۳۲۵ -
عنوان و نام پدیدآور: کاخ یا گاش: مجموعه خاطرات احمد رضا عزیزی
مشخصات نشر: بجنورد: درج سخن، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۳۶۶ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۴۵-۷۹-۱
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: عزیزی، احمد رضا، ۱۳۲۵ - -- خاطرات
رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۴۱۳/ع ۸۸۸/س
رده بندی دیویی: ۹۲۰/۰۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۹۷۵۳۷

خراسان رضوی، بلوار معلم، معلم، ۱۸، انتشارات درج سخن
خراسان شمالی، بجنورد، بلوار استقلال، استقلال ۲۲، پلاک ۱۴، انتشارات درج سخن
تهران: انقلاب، خیابان دانشگاه، پاساژ دانشگاه، تقاطع خیابان زندامری پلاک ۱۲-
۰۹۱۵۱۸۴۳۲۳۸-۰۹۱۵۶۴۳۲۳۸-۰۹۳۱۸۴۳۲۳۸

فهرست

۹.....	مقدمه
۱۳.....	رکوع و سجود گیاهان
۱۵.....	قریه عزیز
۱۸.....	بجنورد و طوایف چهارگانه
۳۱.....	هجرت پدر بزرگ از همدان به بجنورد
۳۲.....	پدر و در
۳۱.....	مادر
۳۵.....	حمام خریه ای
۳۸.....	انقلابی کوچک
۴۰.....	اتومبیل زرشکی
۴۳.....	ظرف شستن پسرها
۴۶.....	لمپا، گرد سوز، فانوس، چراغ موش و اجاق
۴۸.....	تعطیلات تابستان
۵۰.....	مرغ و خروس در خانه شهری
۵۶.....	من عاشق
۶۰.....	دهه سی
۶۲.....	تیل بازی
۶۴.....	لنگ بازی
۶۶.....	کیدی
۶۸.....	اندوه گذشته
۷۰.....	اتوبوس دماغ دار
۷۲.....	فولکس واگن و پاپدا
۷۴.....	شکار کبوترچاهی

۷۵	مسجد روستا
۷۹	خوانندگی من
۸۲	باتری نود تومانی
۸۴	تفنگ دست ساز
۸۷	گدای بی تعهد
۸۹	آبکشی مرغ کرچ
۹۳	درغ ساری با چتر
۹۴	آر.ر تحصیل در مدرسه
۹۸	والیبال دمران
۱۰۰	مراسم عزاداری در روستا
۱۰۳	آب بش قارداش
۱۱۰	بوستان جنگلی بابا امان
۱۱۱	آغاز کم آبی در روستا
۱۱۴	شیطنت
۱۱۷	تحصیل متفرقه
۱۲۵	انواع گریه کردن
۱۲۳	مادر بزرگ من
۱۳۴	سبزه به در
۱۳۹	زندگی با مادر بزرگ و تربیت گرم ابریشم
۱۴۲	مواجهه با مار
۱۴۳	دو ابر قدرت
۱۴۷	کاجی به از هیچی
۱۵۰	آغاز پخش صدای رادیو و پیشرفت برنامه های رادیویی
۱۵۸	بچه های قدیم

۱۶۱.....	مطالعه دروس دبیرستان در روستا
۱۶۵.....	فروش دام‌ها
۱۶۹.....	آرمودآغاجی
۱۷۴.....	ثبت نام سپاه دانش
۱۸۰.....	دوران تعلیماتی سپاه دانش
۱۸۸.....	خدمت سربازی (سپاه دانش)
۱۹۲.....	پایان، اهیگر، در گیلان
۱۹۴.....	درس پوش
۱۹۶.....	سفره‌های پارچه‌ای
۱۹۸.....	گیلان
۲۰۱.....	اتوشویی به جای بارش باران
۲۰۴.....	وقتی وزیر داشتیم،
۲۰۷.....	اعتصاب دانشجویی در گرگان
۲۱۰.....	کارآموزی در خوزستان و سیستان و بلوچستان
۲۱۳.....	خدمت کارمندی در یزد
۲۱۹.....	خواهیدن در گاش
۲۲۱.....	مراعات بیلاقی اصفهان
۲۳۷.....	صدور پروانه چرا
۲۴۱.....	ایران و ترکیه
۲۵۰.....	کاخ یا گاش
۲۵۰.....	صرف نظر از تحصیل، ازدواج
۲۵۸.....	سنت شکنی
۲۶۱.....	مسافرت به انگلیس
۲۶۵.....	شایعه و شایعه‌پراکنی

۲۶۸.....	خودکفایی در بجنورد
۲۶۹.....	استاد و دانشجو
۲۷۲.....	بورسیه سوییس
۲۸۳.....	دزدی کوچک!
۲۸۵.....	کارشناسی
۲۹۰.....	نماز در صحرا
۲۹۱.....	اختیار فراری
۲۹۳.....	این قاشق است
۲۹۷.....	ترکمنستان
۳۰۵.....	نکیرو منکر
۳۰۷.....	حاجی شتری حاجی موری
۳۱۲.....	جزایح قلبی و عزیمت
۳۲۱.....	مردی که جسدش را گفتار خور
۳۲۵.....	اعتیاد
۳۲۲.....	هوشنگ
۳۳۴.....	انگلیسی یا فرانسه
۳۳۶.....	رقص آتش
۳۳۸.....	داوری
۳۴۲.....	سوریه و کله‌کش رضا
۳۴۶.....	خاله جان
۳۵۲.....	فرهنگ لغت ترکی بجنوردی

مقدمه

آنچه که باعث شد کتاب حاضر تهیه و تقدیم شود، صرفاً یادی از گذشته نزدیک در دهه‌های اخیر بوده است که چقدر همه چیز عوض شد. آن باغ‌های با طراوت به تاراج رفت، زیبایی‌ها نیست و نابود شد، ابرها گدازست به روی سبزه‌ها و چمن‌ها را فراموش کردند و عرض رودخانه‌ها در کشاکش زمان کم‌عرض‌تر و متمایل به خشکیدن شد. در این گذشته نزدیک شاید ماشین به معنی اعم نداشته‌ایم. رنج در عوض همه چیز داشتیم؛ هم آب و هم آسمان آبی پرستاره. ما با عجله تلاش کردیم تا سود را به تمدن جدید ببیوند بزنیم. این کار هم تقریباً انجام شد ولی در این رابطه خیلی چیزها از دست رفت. صدای قورباغه‌ها وقتی که در اوایل بهار در بیلاق‌ها به سر می‌بردیم، پرور پروانه‌های نگارنگ وقتی که شکوفه‌های درختان در الوان مختلف روی درختان ظاهر شده بودند، گل‌های لاله در گندم‌زارها و چمن‌های طبیعی در کنار جاده‌های فرعی، هوای پاک، غذاهای ارگانیک و نان تنوری خانگی همگی به یک باره محو شدند. راستی در ازای از دست دادن این غنائم با ارزش چه چیزی به دست آورده‌ایم؟

من که نمی‌دانم... بارها بعضی از دوستان از من می‌پرسیدند: «کتاب شما درباره چیست؟» من ضمن این که اعلام می‌کردم خاطرات خودم، بلافاصله یادآوری می‌کردم که من فرد برجسته جامعه نیستم که به عنوان شخصیتی شناخته شده، مردم علاقه مند باشند با مطالعه خاطرات، از تجربه‌ام استفاده کنند. ولی از آنجایی که این زیبایی‌ها در لابه‌لای دفتر خاطرات توصیف شده‌اند، امکان دارد قدری به فکر فرورویم و بیندیشیم - دیگران اشخاص سابق نیستیم؟

در گذشته وقتی که جغدی در هنگام غروب آفتاب آواز می‌خواند و اعماق قلب ما را با مدیتمه‌ها ساز می‌داد، وقتی که دم جنبانک در چندمتری ماعملیات آکروباتیک انجام می‌داد، وقتی که رنگارنگ در آسمان پرواز می‌کردند و وقتی که سارها در گروه‌های چند صد نفره‌ای را آسمان بالا و پایین می‌رفتند، شاید اثری در زندگی ما نداشتند ولی آیا باعث نمی‌شدند که نیازی به روان‌پزشک، روان‌شناس و حتی خود پزشک نداشته باشیم یا حداقل خیلی کمتر نیازمند این گروه‌ها باشیم؟

من قبول دارم که جمعیت بسیار رشد می‌کرد ولی آن‌هایی که زنده می‌ماندند، علی‌رغم فقر غذایی این‌همه مشکل نداشتند. خوردن روغن نباتی با ترکیبات عجیب و غریبش مثل پالم و غیره، سکنه‌ها را آسوده‌تر می‌کرد. چقدر سریع انسان‌ها را به نابودی کشاند. بنابراین خاطراتی به زبان ساده تقریر کرده تا به این بهانه، کمبودها را در عصر حاضر یادآوری نمایم و چون امکان داشت صرف خاطرات خودی بیش از حد باعث کسالت شود، تجربیاتم در داخل و خارج کشور را به صورت داستان برای خودم تا شاید مورد استفاده کسانی قرار گیرد که علاقه‌مند هستند این مسائل و مسأله‌ها را به سبب و حتی دیدنی‌ها را در قالب داستان طنز و یا غیر طنز فراگیرند ضمن اینکه بدون هزینه مادی و معنوی و زحمت مسافرت، از اقصى نقاط دنیا اطلاعاتی کسب نمایند.

درمجموع در کتاب حاضر تلاش شده اقوام مختلف هم وطن با آداب و رسومشان که خوشبختانه در کشور عزیزمان کم هم نیستند، بیشتر به نسل جدید شناسانده شوند. هم وطنان گرامی ما باید بدانند که ما به واسطه همین اقوام جزء بهترین ها بودیم و هم اکنون هم می توانیم باشیم و ضمناً بهترین ها را هم داشته باشیم. حال اگر این بهترین حتی گل ایرانی، میوه ایرانی و صنعت ایرانی باشد، باز هم تفاوتی ندارد. من هیچ وقت ادعا نکرده ام گذشته خیلی خوبی داشته ایم ولی اعتقاد دارم به شهادت تاریخ، وقتی اروپا در قرون وسطی از ضلالت و گمراهی می سوخت، ما تاریخ طلایی خود را داشتیم. دانشمندان بزرگ، پزشکان ارزشمند و نویسندگان و شاعران ممتازی داشتیم که به گفته «د غرب» بعضی از این آثار و تالیفات تا نیم قرن گذشته در دانشگاه های مدرن آن ها تدریس می شد. پس باید آداب و رسوم خود را که از اجداد و نیاکان خود با فرهنگی غنی به ارث برده ایم، در سلاطین جدید تمدن ممزوج کنیم و به نحو مطلوب، زندگی شادمانه را رقم بزنیم.

با احترام

مهندس احمد رضا عزیزی